

نقش‌های آموزشی، اجتماعی و مالی زنان در خانواده‌های روستایی ایران

دکتر ممدرضا سعیدی^۱

چکیده

زنان در جوامع روستایی و شهری دارای نقش‌هایی متفاوتند. این تفاوتها از ویژگی‌های مزبوط به خود، مهارت‌های اجرای نقش، هنجارها، نظارت اجتماعی و انتظارات دیگران متاثر است. در این مقاله نقش‌های آموزشی، اجتماعی و مالی زنان روستایی کشور بررسی گشته و برخی از عوامل موثر بر تغییرات نقش‌های زنان شناخته شده است. داده‌های مورد نیاز به روش پیمایشی از هفت استان جمع آوری شده است. یافته‌های پژوهشی حاکی است که تحصیلات زنان روستایی سبب می‌شود تا آنان نقش‌های جدی‌تری را در برخی زمینه‌های آموزشی و اجتماعی بر عهده گیرند. تعداد جمعیت روستاها بر ایفای بعضی از نقش‌های زنان تأثیر می‌گذارد. تفاوت‌هایی معنادار میان ایفاء نقش‌های آموزشی- اجتماعی زنان در جوامع روستایی استانهای مختلف دیده می‌شود. در ایفای نقش‌های مالکیتی و مالی تفاوت چندانی در میان زنان روستایی کشور وجود ندارد و به طور کلی زنان در خانواده‌های روستایی سهم بسیار اندکی در ایفای نقش‌های مالی، مالکیتی و تصمیم‌گیری بر عهده دارند.

کلیدواژه‌ها: زنان روستایی، خانواده، نقش‌های آموزشی، اجتماعی و مالی، سواد، جمعیت روستا، خرده‌فرهنگ

مقدمه

هر یک از انسانها ایفاگر نقشهایی در اجتماع و خانواده خود هستند که تفاوت‌ها و تشابه‌هایی نیز در ایفای نقش‌ها با همدیگر پیدا می‌کنند. زنان روستایی دوشادوش مردان در خانه، مزرعه و اجتماع خود نقش‌هایی بر عهده دارند؛ ولی آنچه در آمارهای رسمی کشور از تلاشها و نقش‌های زنان در خانواده‌های روستایی ارائه می‌شود، دور از واقعیت‌های عینی است. در واقع بسیاری از نقش‌ها و فعالیت‌های زنان در آمارهای رسمی کشور ثبت نمی‌شود. این امر نشان می‌دهد که نظام برنامه‌ریزی کشور بسیاری از نقش‌های زنان را در خانه و مزرعه و جامعه روستایی قابل توجه نمی‌داند. بنا بر این زنان در زمینه‌های آموزش و پرورش فرزندان، تعامل خانه و مدرسه و امور اجتماعی و مالی و مالکیتی بازیگر چه نقش‌هایی هستند؟

این مقاله نقش‌های زنان را در خانواده‌های روستایی در شانزده متغیر بررسی می‌کند. نقش‌های رسیدگی به درس و مشق فرزندان، مراجعه به مدرسه فرزندان و عضویت در انجمن خانه و مدرسه در رابطه با مدرسه بررسی شده‌اند. نقش‌های اجتماعی زنان در زمینه‌های عضویت در تشکل‌های روستایی، شرکت در دوره‌های آموزشی، رسیدگی به امور بهداشتی و پزشکی فرزندان در داخل روستا، انجام امور بهداشتی و پزشکی فرزندان در خارج از روستا و مواظبت از فرزندان و اجتماعی کردن آنها مورد بررسی قرار گرفته است. متغیرهای برخورداری زنان از مالکیت زمین و باغ، مالکیت خانه، مالکیت وسیله نقلیه، وجود حساب بانکی، استفاده از تسهیلات بانکی، درآمد مستقل، اختیار فروش دام و اختیار فروش محصولات خانواده، حوزه نقش‌های مالی و مالکیتی زنان را تشکیل داده‌اند.

یافته‌های پژوهش در دو سطح تجزیه و تحلیل شده است. ابتدا توصیفی از نقش‌های زنان ارائه شده است و سپس رابطه نقش‌های مورد بررسی با برخی از متغیرهای مستقل مورد بررسی قرار گرفته است. پژوهشگران در زمینه موضوعی این تحقیق کمتر به مطالعه پرداخته‌اند و سرشماری‌های سراسر کشور نیز چنین رویکردی به نقش‌های زنان در خانواده‌های روستایی نداشته‌اند؛ بنا بر این امیدواریم که یافته‌های ارائه‌شده، بخشی از واقعیت‌های موجود جامعه روستایی را در بخش زنان بیان کند.

روش شناسی پژوهش

سؤالات اصلی پژوهش عبارتند از:

- الف) زنان در خانواده‌های روستایی چه سهمی از نقش‌های آموزشی دارند؟
- ب) زنان در خانواده‌های روستایی تا چه حدودی نقش‌های اجتماعی و تصمیم‌گیری در امور مادی را بر عهده دارند؟
- ج) آیا تحصیلات، جمعیت روستا و خرده‌فرهنگ محل سکونت زنان در ایفای نقش‌های آنان تغییراتی ایجاد می‌کند؟
- خانواده‌های روستایی جامعه آماری تحقیق هستند. برای انجام تحقیق تعداد ۶۳۵ نمونه به روش خوشه‌ای انتخاب گردید. داده‌های میدانی با استفاده از ابزار پرسشنامه گردآوری شد. در تحلیل مسئله مورد بررسی به متغیرهای سطوح فردی، میانی و کلان توجه شده است. بدین منظور پرسشنامه مربوط به زنان روستایی، خانواده زنان و روستا و استان محل سکونت آنها تهیه شد.
- نقش‌های آموزشی-اجتماعی زنان در هشت متغیر رسیدگی به درس فرزندان، مراجعه به مدرسه فرزندان، عضویت در انجمن خانه و مدرسه، عضویت در تشکل‌های روستایی، شرکت در دوره‌های آموزشی، مواظبت از فرزندان و اجتماعی کردن آنها، رسیدگی به امور بهداشتی و پزشکی فرزندان در داخل روستا و خارج از آن مطالعه شده است. نقش‌های مالی و مالکیتی آنها در متغیرهای مالکیت زمین و باغ، مالکیت خانه، مالکیت وسیله نقلیه، وجود حساب بانکی، استفاده از تسهیلات بانکی، درآمد مستقل، برخورداری از اختیار فروش دام و برخورداری از اختیار فروش محصولات تولید خانواده مورد مطالعه قرار گرفته است و در نهایت رابطه نقش‌های مزبور با متغیرهای مستقل سواد زنان، جمعیت روستا و استان محل سکونت تجزیه و تحلیل شده است. در این تحقیق متغیرهای مستقل دیگری در سطوح خرد، متوسط و کلان مورد توجه بوده است که علاقه‌مندان می‌توانند به اصل گزارش مراجعه کنند.

چارچوب نظری

نقش^۱ در نظریه نقش‌ها به کار، عمل و کنش اجتماعی معینی گفته می‌شود که در جامعه به فرد و گروه اجتماعی تعلق دارد. شخص یا گروه کار، عمل و کنش معینی را در جامعه عهده‌دار است که به آن، نقش اجتماعی شخص یا گروه در جامعه می‌گویند (آراسته‌خو، ۱۳۶۹: ۵۳۸). نقش‌ها دسته‌های صفات انتسابی و توقعاتی هستند که از سوی اجتماع تعریف و تعیین می‌شوند و با پایگاه اجتماعی^۲ ملازمت دارند؛ به عنوان مثال آموزگار مدرسه نقش معلم را ایفا می‌کند و این نقش، پاره‌ای از رفتارهای مورد توقع را (صرف نظر از احساسات شخصی فرد آموزگار در هر زمان) به همراه دارد. بنا بر این می‌توان در مورد رفتار مربوط به نقش حرفه‌ای تمام آموزگاران - صرف نظر از خصوصیات کسانی که این حرفه را اشغال کرده‌اند - قائل به عمومیت شد. نقش از لحاظ جامعه‌شناسی دارای اهمیت است؛ زیرا نشان می‌دهد که چگونه فعالیت افراد تحت تأثیر جامعه قرار می‌گیرد و در نتیجه از الگوهای قاعده‌مند پیروی می‌کند.

در حیطه خانواده، نقش‌ها و پایگاه افراد با هم مرتبطند. در واقع تخصیص نقش‌ها جایگاه هر فرد را در داخل خانه و جامعه معین می‌کند. در جامعه‌های بسته (و روستایی) نقش‌ها غالباً تحمیلی و محول^۳ است و بر اساس توقعات جامعه ایفا می‌شود. در جوامع باز (و شهری) نقش‌ها غالباً محقق^۴ است و افراد به روش‌های متفاوت برای ایفای نقش عمل می‌کنند.

بر اساس نظریه نقش^۵ کنشگران در جامعه موقعیت‌های مشخصی را احراز می‌کنند. آنها باید از هنجارهای اجتماعی پیروی کنند و خود را با فرمان‌های

1- role

2- social status

3- prescribed role

4- enacted role

5- role theory

کسانی که قدرت و اهمیت دارند، وفق دهند. با این حال کنشگران اندیشه‌های متفاوت و مهارت‌های مختلفی نیز دارند؛ از این رو در ایفای نقش‌ها از سبک‌های مختلفی برخوردار می‌شوند. بنا بر این مفهوم نقش، نقطه اتصال جامعه و فرد است. فرد از سویی دارای خود و مهارت‌های اجرای نقش است و از سوی دیگر باید خود را با انواع توقعات دیگران تطبیق دهد؛ در نتیجه نقش‌ها اشکال مختلف می‌پذیرند. در صورتی که دنیای اجتماعی دارای مقررات و احکام نسبتاً روشن و مشخصی تلقی شود، خود فرد و مهارت‌های اجرای نقش او پاسخگوی نقش‌های مقرر خواهند بود. در تلقی دیگر، توقعات در معرض تفسیرهای افرادی قرار دارند که دارای منزلت‌هایی هستند. چنین برداشتی این تصور را پدید می‌آورد که دنیای اجتماعی بر حسب ارزیابی‌های ذهنی افراد از کنش متقابل ساخته می‌شود؛ از این رو افراد بر اساس سلیقه‌های شخصی خود، توقعات را تفسیر کرده، خود را با آن سازگار می‌کنند. این برداشت بر «نقش‌های ذهنی» افراد تأکید دارد. توقعات و ارزیابی ذهنی افراد از این توقعات در رفتار اجتماعی تجلی می‌یابد که آن را «نقش اجرایی» تعریف کرده‌اند. نقش‌های سه‌گانه مذکور جدا از هم عمل نمی‌کنند؛ بلکه دارای روابط پیچیده با همدیگرند (اسکیدمور، ۱۳۷۲: ۵۸).

در خانواده‌های روستایی ایران زنان سهمی عظیم از کل نیروی انسانی بخش کشاورزی را تشکیل می‌دهند؛ لیکن نخست به سبب نوع نگرش نظام برنامه‌ریزی آماري که در رابطه با میزان فعالیت‌های زنان ارائه می‌شود، بسیار پایین‌تر از حد واقعی است. در این آمارها غالباً بسیاری از اوقات، اشتغال فصلی پاره‌وقت و بدون دستمزد و فعالیت‌های خانه‌داری آنان در نظر گرفته نمی‌شود. دوم، نوع نگرش مردان به نقش‌های زنان قابل نقد است. طی پژوهشی که در باره «زنان روستایی ایران» انجام گرفته است، نتایج پرسش در مورد اشتغال اعضای خانواده، نوع کار و نحوه دریافت دستمزد نشان می‌دهد از خانواده‌های نمونه، فقط دو سرپرست

خانوار، همسران خود را «شاغل با مزد» عنوان کرده‌اند که یکی از آنها آموزگار و دیگری بهیار بوده است؛ به عبارت دیگر مردان روستایی زنان خود را در صورتی شاغل می‌دانند که در فضای عمومی و در خارج از خانواده و واحد بهره‌برداری به کار مشغول باشند. سوم به‌رغم اینکه یافته‌های تحقیق نشان داده است که ۵۴٪ از زنان روستایی به یک فعالیت اقتصادی درآمدزا در فضای خصوصی (درون خانه) مشغول بوده‌اند و ۷۹٪ با تأمین نیروی کار بدون دستمزد به کاهش هزینه تولید کمک کرده‌اند یا آنکه بر درآمد خانواده افزوده‌اند؛ اما آنگاه که از همین زنان - که حداقل ۷۹٪ از آنان به یک یا چند فعالیت اقتصادی درآمدزا مشغول بوده‌اند - سؤال شد: شغل شما چیست؟ ۶۷٪ از آنان خود را «خانه‌دار» معرفی کردند.

درواقع در جامعه روستایی ایران زنان در منزل (و در فضای خصوصی) کار می‌کنند و در خارج از منزل (و در فضای عمومی) نیز حضور فعال دارند؛ ولی مردان و زنان روستایی میان «خانه» و «محل کار» (واحد بهره‌برداری) تفاوتی قائل نیستند؛ یعنی کار زنان در واحد بهره‌برداری خانوادگی، آموزش و پرورش و نگهداری فرزندان خانه‌داری محسوب می‌شود؛ به عبارت دیگر برای جامعه روستایی (زنان و مردان) فضای عمومی و خصوصی دو دنیای جدا از هم نیستند (شادی‌طلب، ۱۳۷۸: ۸۰) در نهایت تحلیل نقش‌های زنان در خانواده‌های روستایی، جایگاه آنها را در خانواده و جامعه نشان می‌دهد. تغییرات نقش‌ها بر اساس خرده‌فرهنگ‌های مختلف بیان می‌کند که نقش‌هایی که زنان در یک خرده‌فرهنگ ایفا می‌کنند و در فرهنگ دیگر از آن منع می‌شوند، به تواناییهای آنها مربوط نمی‌شود؛ بلکه تحت تأثیر ساختارهای فرهنگی جامعه است. راجرز در نظریه خرده‌فرهنگ دهقانی خود بیان کرده است که اگر برنامه‌های دگرگونی اجتماعی در روستا بر پایه شناخت ارزشها، وجهه نظرها و انگیزه دهقانان استوار نباشد، شکست می‌خورد؛ لذا مجریان برنامه‌های توسعه روستایی باید ویژگیهای

فرهنگی و جمعیتی مخاطبان و گیرندگان برنامه‌های خود را به‌دقت مد نظر داشته باشد (پاپلی‌یزدی، ۱۳۸۱: ۹۳). شاخص نقش و منزلت که گویای همبستگی‌های سنتی (ارگانیک) و نوین (مکانیکی) است، از بعد سنتی گویای شئونات یا منزلت‌های اندک، عمدتاً انتسابی و سینه به سینه یا عشیرتی و با نقش‌های اندک تخصصی و تفکیک‌شده است. از این منظر جامعه معاصر ایران به‌ویژه در بخش روستایی و حاشیه شهری عمدتاً از این خصایص برخوردارند. نقش و منزلت یا شأن برگرفته از نسل گذشته و به میراث مانده از پدران و نیاکان افراد و شناسایی منزلت و نقش افراد برپایه وابستگی به خانواده‌شان یا طبقه ممتاز یا پست و جایگاه عشیرتی افراد، هنوز در شجره نسب افراد، مهر ایستایی اجتماعی را بر پیشانی افراد منقوش و منسوب کرده است. همچنین هنوز در این بخش از جامعه افراد نقش‌های عمومی دارند؛ مثلاً پدر در آن واحد نقش‌های همسر، پدر، قیم بازماندگان خانوادگی، مسئول تربیت و آموزش و فرهنگ خانواده و درعین حال معتمد محل، حکم حل اختلاف‌های محلی، میانجی ازدواج‌ها و طلاق‌ها و دارای مشروعیت سنتی نفوذ کلام و قدرت در محدوده زیست‌بوم خود است؛ ولی از نظر شاخص نقش و منزلت در دوره مدرن، افراد دارای شئونات بسیار بوده و در کنار آن از نقش و منزلت اکتسابی و گاه انتسابی برخوردارند. این وضعیت ظاهراً در بخش‌های شهری ایران امروز قابل ردیابی است؛ با این حال حتی در این بخش نیز با توجه به عدم تشکیل دولت مدرن و رفاه، بخش بزرگی از وظایف پیشامدرن را از ید اختیار خانواده‌ها و به‌ویژه مردان یا پدران خارج نکرده است و برعکس در تلاش برای دفاع از کیان خانواده و نقش‌های سنتی و انتسابی مردان و پدران در ساختار خانواده است. نماد کنونی این وضعیت را حتی در بخش نوین بروکراسی و نظام اداری ایران نیز می‌توان مشاهده کرد؛ به گونه‌ای که پدیده پارتی بازی در ساختار اداری و مدیریت کشور با ترجیحات فامیلی و عشیرتی و ناموزونی تخصص

افراد با شغل و شئون اجتماعی و سیاسی‌شان از دیگر نمونه‌های بارز این خصیصه است (<http://sociology>).

کارکردگرایان ساختاری چنین می‌پندارند که خانواده هسته‌ای مدرن بر چارچوبی مبتنی خواهد شد که در آن مردان با کار در فضای عمومی^۱ نیازمندیهای خانواده را تأمین می‌کنند و زنان با کار در فضای خصوصی^۲ از مردان و فرزندان حمایت می‌کنند. البته این مدل، توصیف واقعی از اکثر خانواده‌ها حتی در کشورهای غربی نیست؛ بلکه در دیدگاه کارکردگرایی ساختاری به عنوان شاخصی برای مدرنیته به کار می‌رود (جاگر، ۱۹۹۹: ۱۷۳).

در تعدادی از گزارشهای آموزشی (نورود، ۱۹۴۳؛ کرودر، ۱۹۵۹؛ نیوسون، ۱۹۶۳) دختران در جایگاه خانه و پسران در جایگاه نیروی کار مورد توجه قرار گرفته‌اند. تغییرات اندکی هم در نگرشها دیده می‌شود؛ برای مثال در گزارش کرودر مطرح شده است که ممکن است برخی زنان نقش‌هایی دوگانه (در خانه و محل کار) ایفا کنند؛ اما احتمال دارد چنین وضعیتی صرفاً در میان زنان طبقه متوسط دیده شود (ریچاردسون، ۱۹۹۲: ۳۳۰).

یافته‌های پژوهش

الف) توصیف نقش‌های زنان در خانواده‌های روستایی

یکی از نقش‌های زنان در خانواده‌ها مواظبت از فرزندان و تربیت آنان است که در جامعه مورد بررسی ۱۲/۴٪ از زنان به میزان کم، ۹/۲ تا حدودی و ۷۸/۳٪ در سطح زیاد این نقش را ایفا می‌کنند. در صورت ابتلاء فرزندان به بیماری چنانچه مداوای آنان در داخل روستا میسر باشد، پی‌گیری این امر اغلب بر عهده زنان

^۱ - public sphere

^۲ - private sphere

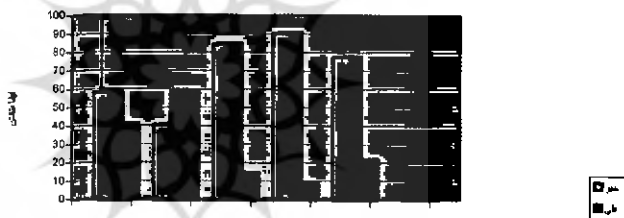
است؛ لیکن اگر مراجعه به خارج از روستا لازم باشد، مردان خانواده انجام آن را بر عهده دارند؛ به گونه‌ای که در مورد نقش اول $\frac{31}{8}$ ٪ زنان به اندازه کم، $\frac{14}{2}$ ٪ تا حدودی و $\frac{50}{1}$ ٪ در سطح زیاد آن را انجام می‌دهند؛ ولی در مورد نقش دوم $\frac{30}{}$ ٪ به اندازه کم، $\frac{23}{5}$ ٪ تا حدودی و $\frac{37}{2}$ ٪ به میزان زیاد ایفای نقش کرده‌اند. همان گونه که نمودار شماره ۱ نشان می‌دهد زنان با مدرسه بیش از سایر نهادها و سازمانهای روستایی تعامل داشته‌اند. در حدود $\frac{60}{}$ ٪ از آنان برای رسیدگی به امور فرزندان به مدرسه مراجعه داشته‌اند؛ $\frac{40}{}$ ٪ به درس و مشق فرزندانشان رسیدگی می‌کنند و $\frac{15}{}$ ٪ در انجمن اولیاء و مربیان عضویت داشته‌اند. در جمع‌بندی توصیفی، نقش‌های مذکور گفتنی است که هر جا بحث تصمیم‌گیری پیش می‌آید، از نقش‌های زنان در خانواده‌های روستایی کاسته شده، مردان به صحنه وارد می‌شوند. یکی از آن نقش‌ها عضویت در انجمن‌های اولیاء و مربیان است و طبق مشاهدات نسبت به دو نقش دیگر به شدت نقش زنان روستایی کاسته می‌شود. حتی عضویت زنان در سایر تشکلهای روستایی از انجمن اولیاء و مربیان نیز کمتر است.

زنان در خانواده‌های روستایی نقش‌های مالی، مالکیتی و تصمیم‌گیری در این امور را در حد ضعیف ایفاء می‌کنند (نمودار شماره ۲). در این زمینه بیشترین درصدها را متغیرهای «اختیار فروش تولیدات خانواده» و «داشتن حساب بانکی» به خود اختصاص داده‌اند که حدود $\frac{20}{}$ ٪ از زنان را شامل می‌شود. اختیار فروش محصولات و تولیدات خانواده به فرآورده‌هایی نظیر شیر، تخم مرغ و سایر اقلام کم‌ارزش مربوط است؛ در صورتی که اختیار فروش سایر تولیدات از قبیل دام - که جداگانه بررسی شده است - به میزان $\frac{11}{7}$ ٪ تقلیل یافته است. ترتیب نزولی سایر متغیرها به صورت مالکیت زمین، باغ، خانه و استفاده از تسهیلات بانکی و مالکیت وسیله نقلیه است که از $\frac{13}{6}$ ٪ تا $\frac{1}{5}$ ٪ نوسان دارد. درصدی از مالکیت‌های زنان

به ارثیه‌ای مربوط است که از والدین‌شان به آنها رسیده است. بنا بر این درصدهای خالص زنان مالک از داده‌های مذکور کمتر است. داده‌ها نشان می‌دهد که در خانواده‌های روستایی نقش‌های مالی و تصمیم‌گیری در امور مادی باارزش به مردان اختصاص می‌یابد و نقش زنان در زمینه‌های غیرمالی است و در امور مهم‌تر بر اساس تصمیمات مردان اجرای نقش می‌کنند.

نمودار ۱. نقش‌های آموزشی و اجتماعی زنان در خانواده‌های روستایی

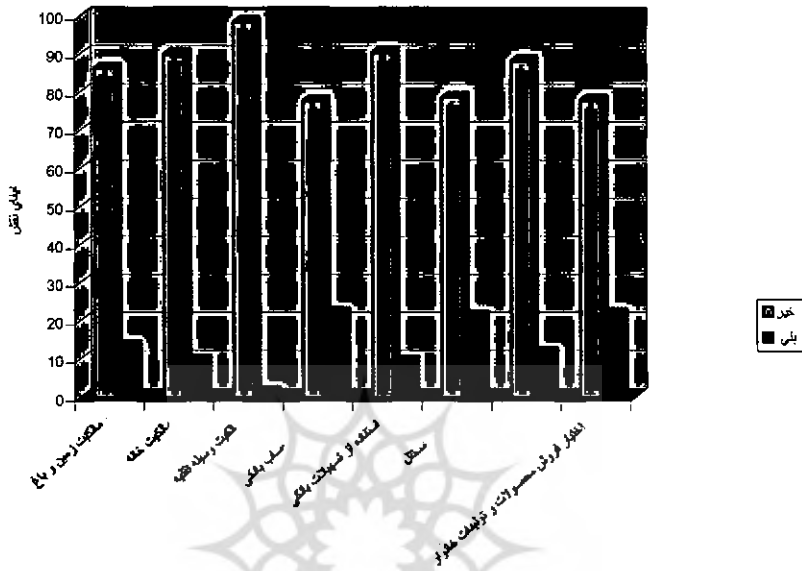
نمودار ۱. نقش‌های آموزشی و اجتماعی زنان در خانواده‌های روستایی



رشدگی به درس و مشارکت در خانوار
 بر اساس به همسر خود
 مشارکت در تصمیم‌گیری خانوار و اقتصادی
 مشارکت در تصمیم‌گیری خانوار و اقتصادی
 برگشت در روزهای آموزشی
 تدریس

نقش‌های مورد بررسی

نمودار ۰۲ نقش های مالی و مالکیتی زنان در خانواده های روستایی



نقش‌های مورد بررسی

ب. تحلیل نقش‌های زنان در خانواده‌های روستایی

۱- سواد و ایفای نقش زنان

پیرو مباحث نظری، تحصیلات با تأثیر بر پایگاه اجتماعی زنان، توقعات جامعه را از نقش‌های اجتماعی آنان متأثر می‌سازد؛ بنا بر این زنان به نسبت تحصیلاتشان باید بتوانند در رابطه با خانه و مدرسه نقش‌هایی تخصصی‌تر بر عهده گیرند. مواظبت از فرزندان و تربیت آنان در خانه و پی‌گیری امور پزشکی آنها در داخل روستا، نقش‌های عمومی همه زنان است؛ ولی پی‌گیری امور پزشکی فرزندان در خارج از روستا (مراجعه به پزشک در شهر و غیره) ارتباطی معنادار ($S=0/015$)

با تحصیلات زنان روستایی داشته است و اغلب زنان با تحصیلات بالاتر این نقش را ایفا کرده‌اند. بنا بر این تحصیلات سبب می‌شود زنان نقش‌هایی را عهده‌دار شوند که در سایر خانواده‌های روستایی آنها را مردان بر عهده دارند.

جدول شماره ۱) رابطه نقش‌های آموزشی - اجتماعی با سطح سواد زنان روستایی

سطح معناداری	سطح سواد					انواع نقش		رتبه
	عالی	متوسطه	راهنمایی	ابتدایی	بی‌سواد			
.۰/۰۵۹	۱۰۰/۰	۵۸/۳	۵۳/۵	۳۹/۹	۳۷/۳	بلی	رسیدگی به	۱
	-	۴۱/۷	۴۶/۵	۶۰/۱	۶۲/۷	خیر	درس فرزندان	
.۰/۴۳۹	۱۰۰/۰	۶۲/۵	۵۵/۸	۴۶/۶	۵۷/۱	بلی	مراجعه به	۲
	-	۳۷/۵	۴۴/۲	۳۵/۴	۴۲/۹	خیر	مدرسه فرزندان	
.۰/۰۵۵	۱۰۰/۰	۴/۲	۹/۳	۱۵/۵	۱۶/۰	بلی	عضویت در انجمن	۳
	-	۹۵/۸	۹۰/۷	۸۴/۵	۸۴/۰	خیر	خانه و مدرسه	
.۰/۰۰۰	۱۰۰/۰	۲۰/۸	۷/۰	۱۳/۴	۶/۲	بلی	عضویت در	۴
	-	۷۹/۲	۹۳/۰	۸۶/۶	۹۳/۸	خیر	تشکل‌های روستایی	
.۰/۰۰۱	۱۰۰/۰	۳۷/۵	۳۲/۶	۲۸/۳	۱۷/۰	بلی	شرکت در	۵
	-	۶۲/۵	۶۷/۴	۷۱/۷	۸۳/۰	خیر	دوره‌های آموزشی	

متغیرهای مطالعه شده در جدول مذکور نیز ارتباط نظری بیان شده میان سواد و نقش‌های زنان روستایی را تأیید می‌کند. سواد زنان بر «رسیدگی به امور درسی فرزندان»، «عضویت آنها در انجمن خانه و مدرسه»، «عضویت در سایر تشکل‌های

روستایی» و «شرکت در دوره‌های آموزشی» تأثیری معنادار داشته است؛ در حالی که مراجعه به مدرسه با دعوت مسئولین و رسیدگی به امور مختلف فرزندان نیازمند تخصص و توانایی خاصی نیست و این نقش را همه زنان انجام می‌دهند و احتمالاً پیام مکتوبی از قبیل کارنامه را اخذ کرده، برای اطلاع باسوادان به خانه می‌برند. جامعه توقع ندارد که فرزندان زنان باسواد مشکلات درسی داشته، با افت تحصیلی مواجه باشند. زنان نیز در صورت مشاهده چنین وضعیتی خود را سرزنش کرده، نقشی فعال‌تر در مورد با تحصیل فرزندانش ایفا خواهند کرد. در انتخابات انجمن اولیاء و مربیان مدرسه و سایر تشکل‌های روستایی توقع می‌رود که زنان تحصیل کرده کاندیدا شوند و چنانچه دخالت متغیرهای دیگر نباشد، معمولاً زنان تحصیل کرده رأی بیشتری برای برگزیده شدن کسب می‌کنند. پس از انتخاب شدن هم توقع از زنان تحصیل کرده در انجام فعالیت‌های تخصصی‌تر بیشتر است. همچنین برای شرکت در دوره‌های مختلف آموزشی- ترویجی از سویی (گاهی) سواد از شرایط شرکت در دوره‌هاست و از سوی دیگر توقعات اجتماعی از زنان تحصیل کرده هم بر آن تأکید می‌کند. بنا بر این یافته‌های تجربی جدول شماره ۱ مبانی نظری تئوری نقش‌ها را در بخش ارتباط مثبت میان پایگاه اجتماعی افراد با ایفای نقش‌های اجتماعی تأیید می‌کند. زنان روستایی که به واسطه تحصیلات، پایگاه اجتماعی خود را ارتقا داده‌اند، نقش‌هایی فعال‌تر در مورد مدرسه و آموزش و پرورش فرزندان ایفا کرده‌اند.

ایفای نقش‌های آموزشی و اجتماعی زنان با سطح سواد مردان نیز ارتباط معنادار داشته است. مقادیر سطوح معناداری در روابط سواد مردان خانواده‌ها با نقش‌های زنان (رسیدگی به امور درسی فرزندان $Sig = 0/000$ ، مراجعه به مدرسه فرزندان $Sig = 0/000$ ، شرکت در دوره‌های آموزشی $Sig = 0/000$) قابل توجه است. افزایش سطح تحصیلات زنان و مردان از مسیر ارتقاء پایگاه اجتماعی خانواده و

توقعات جامعه، سبب فعال‌تر شدن نقش‌های آموزشی و اجتماعی زنان در خانواده‌های روستایی است.

نگرش خوش‌بینانه به رابطه سطح سواد زنان با نقش‌های آموزشی- اجتماعی آنان ما را به سوی تعمیم‌دهی رابطه سواد با سایر نقش‌ها هدایت می‌کند. آیا سواد زنان روستایی بر نقش‌های مالی و تصمیم‌گیری‌های مادی نیز تأثیر می‌گذارد یا ساختار اجتماعی- فرهنگی جامعه روستایی به حدی بر نقش‌های مالی و مادی زنان مؤثر است که نقش‌های ذهنی بر اساس ساختار اجتماعی و نقش‌های مقرر بروز می‌یابد؟

جدول شماره ۲) رابطه نقش‌های مالی و مالکیتی با سطح تحصیلات زنان روستایی

سطح معادله	سطح سواد					انواع نقش		ردیف
	عالی	متوسطه	راه‌نمایی	ابتدایی	بی‌سواد			
۰/۹۸۱	-	۱۲/۰	۱۴/۳	۱۱/۴	۱۲/۱	بلی	مالکیت زمین و باغ	۱
	۱۰۰	۸۸/۰	۸۵/۷	۸۸/۶	۸۷/۹	خیر		
۰/۶۳۵	-	۱۲/۰	۱۴/۰	۷/۴	۱۰/۸	بلی	مالکیت خانه	۲
	۱۰۰/۰	۸۸/۰	۸۶/۰	۹۲/۶	۸۹/۲	خیر		
۰/۶۹۲	-	۴/۲	-	۱/۱	۲/۰	بلی	مالکیت وسیله نقلیه	۳
	۱۰۰/۰	۹۵/۸	۱۰۰/۰	۹۸/۹	۹۸/۰	خیر		
۰/۴۰۱	-	۳۲/۰	۲۷/۹	۲۵/۰	۲۰/۱	بلی	وجود حساب بانکی	۴
	۱۰۰/۰	۶۸/۰	۷۲/۱	۷۵/۰	۷۹/۹	خیر		
۰/۳۸۲	-	۲۰/۰	۱۱/۶	۱۰/۶	۸/۳	بلی	استفاده از تسهیلات بانکی	۵
	۱۰۰/۰	۸۰/۰	۸۸/۴	۸۹/۴	۹۱/۷	خیر		
۰/۹۰۳	-	۲۴/۰	۲۵/۶	۲۱/۸	۲۰/۴	بلی	درآمد مستقل	۶
	۱۰۰/۰	۷۶/۰	۷۴/۴	۷۸/۲	۷۹/۶	خیر		
۰/۳۷۵	-	۱۶/۰	۱۶/۳	۱۳/۸	۹/۲	بلی	برخورداری از اختیار فروش دام	۷
	۱۰۰/۰	۸۴/۰	۸۳/۷	۸۶/۲	۹۰/۸	خیر		
۰/۸۲۷	-	۲۴/۰	۲۷/۹	۲۲/۹	۲۰/۹	بلی	برخورداری از اختیار فروش محصولات	۸
	۱۰۰/۰	۷۶/۰	۷۲/۱	۷۷/۱	۷۹/۱	خیر		

نقش‌های مالی زنان در خانواده‌های روستایی کشور عمدتاً از نوع محول است و تحصیلات زنان نتوانسته است تأثیری معنادار بر شکستن ساختار حاکم بر نقش‌ها داشته باشد. هیچ‌کدام از متغیرهای مالی و مالکیتی مطالعه‌شده در این پژوهش با میزان تحصیلات زنان رابطه معنادار نداشته است. از یافته‌های پژوهش چنین برمی‌آید که ساخت اجتماعی درآینده نیز همچنان در ایفای نقش‌های مالی و مادی زنان روستایی تأثیر خواهد داشت و بعید به نظر می‌رسد که طی یکی دو دهه آتی تغییراتی را در ایفای این نوع نقش‌ها شاهد بود. با این حال سطح تحصیلات مردان (شوهران) خانواده‌های روستایی بر ایفای نقش‌های مالی و مادی زنان تأثیر مثبت گذاشته است. میان سواد مردان با نقش‌های زنان در برخی موارد رابطه معنادار با سطوح قابل توجه (مالکیت زمین و باغ $S = 0/000$ ، مالکیت وسیله نقلیه $S = 0/003$ ، وجود حساب بانکی $S = 0/000$ ، درآمد مستقل $S = 0/000$ ، اختیار فروش دام $S = 0/013$ و اختیار فروش تولیدات خانواده $S = 0/000$) به دست آمده است. اختیار تصمیم‌گیری و واگذاری نقش‌ها در جامعه روستایی بر عهده مردان خانواده است؛ از این رو چنانچه مردان نخواهند نقش‌های مالی و مادی را بر زنان واگذار کنند، ارتقاء سطح تحصیلات زنان خانواده بر ایفای این نقش‌ها چندان تأثیر نخواهد داشت؛ حال آنکه سواد، موجب ارتقاء آگاهی مردان و تغییر در نقش‌های ذهنی آنها می‌شود و متعاقباً در واگذاری برخی از نقش‌های مالی و مادی امکان بیشتری برای آنان (نسبت به مردان با سطوح تحصیلی پایین) فراهم می‌شود.

۲- جمعیت روستا و نقش‌های زنان

فراتر از متغیرهای فردی و خانوادگی، نقش‌های زنان احتمالاً از ویژگی‌های روستا تأثیر پذیرد. به طوری که در بحث نظری بیان شد، در جوامع بسته و سنتی

و کوچک، پایگاه اجتماعی انتسابی (محول) و در جوامع بزرگ و شهری انتسابی (محقق) است و به تبع آن نقش‌های محول و محقق نیز در جوامع فوق مشاهده‌پذیر است. هر چند جامعه مورد بررسی در این مطالعه از نوع روستایی است، جمعیت و وسعت روستاهای مورد بررسی متفاوت است. بنا بر این روستاهای کم‌جمعیت با جوامع بسته (مورد نظر دورکیم و تونیس) بیشتر سنخیت داشته‌اند و روستاهای پرجمعیت و وسیع به سمت جامعه مدرن و شهری گرایش دارند. چنین فرایندی اقتضا می‌کند که با افزایش جمعیت روستاها نقش‌های زنان از ویژگی‌های محول به صورت محقق تغییر شکل دهد.

اطلاعات تجربی جدول شماره ۳ در برخی از متغیرها فرایند و جهت‌گیری نظری مزبور را تأیید می‌کند؛ برای مثال زنان در روستاهای پرجمعیت به مدارس فرزندان‌شان بیشتر مراجعه می‌کنند و با افزایش جمعیت روستایی بر تعداد زنانی که در تشکل‌های روستایی عضو می‌شوند، افزوده می‌شود. همچنین ارتباط معناداری میان تعداد جمعیت روستایی و شرکت زنان در دوره‌های آموزشی و ترویجی وجود دارد. با این حال باید در نظر داشت که پژوهش در جامعه روستایی کشور انجام شده است. در این جامعه نقش‌ها بیشترین تأثیر را از ساخت اجتماعی می‌پذیرند و نباید تغییرات جدی در ایفای نقش‌ها بر اساس تعداد جمعیت روستاها را توقع داشت. داده‌های تجربی مورد نیاز برای آزمون عبارت تئوریک مذکور را باید از مطالعه تطبیقی نقش‌ها در دو جامعه روستایی و شهری به دست آورد. نقش‌های مالکیتی و مالی در جامعه روستایی کاملاً در اختیار مردان قرار دارد و تغییرات جمعیت روستایی نیز تأثیر معناداری بر جهت‌گیری آن به سوی زنان نگذاشته است. این پدیده نیز بر تبعیت نقش‌های مالی و مالکیتی از ارزشها و هنجارهای جامعه روستایی تأکید می‌کند و بر تأثیر ساختار اجتماعی ابرام دارد.

جدول شماره ۳) رابطه تعداد جمعیت روستایی با نقش‌های زنان در خانواده

سطح معناداری	جمعیت روستا				ایفای نقش	نوع نقش	رتبه
	۵۰۰۰ و بالاتر	۲۰۰۱-۵۰۰۰	۱۰۰۰-۲۰۰۰	تا ۱۰۰۰			
-۰.۸۰۹	۴۴/۴	۴۴/۱	۳۸/۸	۴۱/۲	بلی	رسیدگی به درس و مشق فرزندان	۱
	۵۵/۶	۵۵/۹	۶۱/۲	۵۸/۷	خیر		
-۰.۱۵	۴۳/۶	۶۶/۹	۶۳/۳	۵۶/۳	بلی	مراجعه به مدرسه فرزندان	۲
	۵۶/۴	۳۳/۱	۳۶/۷	۴۳/۸	خیر		
-۰.۰۰۰	۱/۹	۶/۸	۱۷/۹	۱۹/۸	بلی	عضویت در انجمن خانه و مدرسه	۳
	۹۸/۱	۹۳/۲	۸۲/۱	۸۰/۲	خیر		
-۰.۱۵	۱/۹	۱۴/۴	۶/۲	۷/۱	بلی	عضویت در سایر تشکلهای روستایی	۴
	۹۸/۱	۸۵/۶	۹۳/۸	۹۲/۹	خیر		
-۰.۰۰۰	۲۵/۵	۳۰/۵	۹/۷	۲۳/۶	بلی	شرکت در دورههای آموزشی	۵
	۷۴/۵	۶۹/۵	۹۰/۳	۷۶/۴	خیر		
-۰.۲۰	۱۱/۱	۱۲/۷	۶/۴	۱۷/۳	بلی	مالکیت زمین و باغ	۶
	۸۸/۹	۸۷/۳	۹۳/۶	۸۲/۷	خیر		
-۰.۰۰۳	۱/۹	۷/۶	۵/۴	۱۴/۱	بلی	مالکیت خانه	۷
	۹۸/۱	۹۳/۴	۹۴/۶	۸۵/۹	خیر		
-۰.۱۸۳	-	۲/۵	-	۳/۳	بلی	مالکیت وسیله نقلیه	۸
	۱۰۰/۰	۹۷/۵	۱۰۰/۰	۹۷/۷	خیر		
-۰.۰۳۶	۱۸/۵	۳۷/۴	۱۴/۳	۲۴/۶	بلی	وجود حساب بانکی	۹
	۸۱/۵	۷۲/۶	۸۵/۷	۷۵/۴	خیر		
-۰.۷۹۱	۷/۴	۱۱/۰	۸/۲	۱۰/۲	بلی	استفاده از تسهیلات بانکی	۱۰
	۹۲/۶	۸۹/۰	۹۱/۸	۸۹/۸	خیر		
-۰.۲۰	۷/۴	۲۱/۴	۱۶/۳	۲۴/۳	بلی	درآمد مستقل	۱۱
	۹۲/۶	۷۸/۶	۸۳/۷	۷۵/۷	خیر		
-۰.۱۶۹	۱۱/۱	۹/۳	۸/۲	۱۴/۸	بلی	اختیار فروش دام	۱۲
	۸۸/۹	۹۰/۷	۹۱/۸	۸۵/۲	خیر		
-۰.۰۰۷	۱۴/۸	۱۱/۹	۲۲/۴	۲۶/۴	بلی	اختیار فروش تولیدات خانه	۱۳
	۸۵/۲	۸۸/۱	۷۷/۶	۷۳/۶	خیر		

۳ - استان محل سکونت و نقش‌های زنان

در آخرین سطح، نقش‌های زنان روستایی بر اساس استان محل سکونت تحلیل می‌شود. استان‌های کشور دارای خرده‌فرهنگ‌هایی^۱ متفاوت هستند و به تبع ارزشها و هنجارهای خاص که در گوشه و کنار کشور وجود دارد، زنان از جایگاه‌های متفاوت برخوردارند. هنجارهای اجتماعی و نظارت سایر افراد در جامعه، سبب می‌شود که زنان در ایفای نقش‌ها از جایگاه تعریف‌شده خود عدول نکنند؛ هر چند در این میان آگاهی‌ها و مهارت‌های متفاوت اجرای نقش بر ایفای نقش‌ها تأثیر دارد.

تأثیرپذیری نقش‌های زنان روستایی از خرده‌فرهنگ‌ها و هنجارهای استان خود سبب شده است که در همه نقش‌های مندرج در جدول شماره ۴ تفاوت معنادار میان استان‌های مورد بررسی وجود داشته باشد. تحلیل رابطه استان محل سکونت با نقش‌های زنان روستایی به این شیوه بوده است که در هر استان ضعیف‌ترین و شدیدترین متغیرهایی که زنان در آن زمینه‌ها نقش ایفا کرده‌اند، گزینش شده است. بدین ترتیب صرفاً موارد ایفای نقش در مراتب اول و آخر مدنظر بوده است و موارد میانی را می‌توان در جدول شماره ۴ مشاهده کرد. بر این اساس به طور تطبیقی در خانواده‌های روستایی استان قزوین، زنان در رسیدگی به امور درسی فرزندان، عضویت در انجمن اولیاء و مربیان مدرسه فرزندان، عضویت در سایر تشکلهای مردمی و مالکیت وسیله نقلیه و اختیار فروش محصولات و تولیدات خانواده، کمتر نقش ایفاء می‌کنند. آنها در هیچ‌یک از زمینه‌های مورد مطالعه در مرتبه نخست ایفای نقش قرار نگرفته‌اند. در روستاهای استان اردبیل کمترین میزان ایفای نقش را زنان در زمینه‌های مراجعه به مدرسه فرزندان، داشتن حساب

^۱ - subculture

بانکی و استفاده از تسهیلات بانکی داشته‌اند و در زمینه فروش محصولات و تولیدات خانواده فعال‌ترین نقش را ایفا می‌کنند.

در استان کردستان زنان در زمینه استفاده از تسهیلات بانکی و عضویت در تشکل‌های روستایی کمترین و در زمینه رسیدگی به امور درسی فرزندان بیشترین میزان ایفای نقش را داشته‌اند. باید توجه داشت که در آمارگیری سراسری سال ۱۳۷۵ نسبت باسوادی در جامعه روستایی کردستان ۵/۵۸٪ بوده است. شاید آمار بالای بی‌سوادی در نسل‌های گذشته، انگیزه باسواد کردن فرزندان را در آنها تقویت کرده است. در هرمزگان زنان در زمینه‌های عضویت در تشکل‌های روستایی و شرکت در دوره‌های آموزشی کمترین و در زمینه‌های فروش دام و محصولات و تولیدات خانواده، مالکیت خانه، زمین و باغ، فعال‌ترین نقش را در مقایسه با سایر استانها ایفا کرده‌اند. در استان آذربایجان غربی زنان در ایفای هیچ‌کدام از نقش‌های مورد بررسی کمترین و بیشترین مرتبه را در مقایسه با سایر استانها نداشته‌اند و در تمام متغیرهای مورد بررسی موقعیت‌های میانی دو طرف طیف را به خود اختصاص داده‌اند. زنان روستایی همدان در زمینه‌های مراجعه به مدرسه فرزندان، عضویت در انجمن خانه و مدرسه و سایر تشکل‌های مردمی روستا، شرکت در دوره‌های آموزشی بالاترین و در زمینه مالکیت وسیله نقلیه جزو پایین‌ترین گزینه‌ها بوده‌اند.

جدول شماره ۴) رابطه نقش‌های زنان با استان‌های مورد بررسی

ردیف	نقش	پاسخ	استان					سطح معناداری		
			قزوین	اردبیل	کردستان	هرمزگان	آذربایجان غربی		همدان	مازندران
۱	رسیدگی به درس و مشق فرزندان	بلی	۲۱/۷	۳۰/۱	۷۳/۷	۴۹/۲	۳۱/۵	۲۵/۷	۴۰/۵	.۱۰۰۰
		خیر	۷۸/۳	۶۹/۹	۲۶/۳	۵۰/۸	۶۸/۵	۶۴/۳	۵۹/۵	
۲	مراجعه به مدرسه فرزندان	بلی	۶۲/۳	۳۹/۸	۵۷/۴	۶۳/۵	۵۸/۱	۷۰/۲	۶۳/۱	.۱۰۰۵
		خیر	۳۷/۷	۶۰/۲	۴۲/۶	۳۶/۵	۴۱/۹	۲۹/۸	۳۶/۹	
۳	عضویت در انجمن خانه و مدرسه	بلی	-	۷/۲	۱۸/۴	۲۲/۲	۱۶/۸	۲۸/۶	۷/۱	.۱۰۰۰
		خیر	۱۰۰/۰	۹۲/۸	۸۱/۶	۷۷/۸	۸۳/۲	۷۱/۴	۹۲/۹	
۴	عضویت در سایر تشکل‌های روستایی	بلی	۱/۵	۳/۶	۱/۸	۱/۶	۲/۵	۲۸/۶	۲۳/۸	.۱۰۰۰
		خیر	۹۸/۵	۹۶/۴	۹۸/۲	۹۸/۴	۵/۹۷	۷۱/۴	۷۶/۲	
۵	شرکت در دوره‌های آموزشی	بلی	۲۹/۹	۲۰/۵	۹/۶	۸/۴	۳۲/۳	۵/۴۰	۱۴/۳	.۱۰۰۰
		خیر	۷۰/۱	۷۹/۵	۹۰/۴	۹۵/۲	۶۷/۷	۵۹/۵	۸۵/۷	
۶	مالکیت زمین و باغ	بلی	۳/۲	۵/۳	۵/۳	۳۸/۱	۹/۲	۱۰/۷	۳۱/۰	.۱۰۰۰
		خیر	۹۶/۸	۹۴/۷	۹۴/۷	۶۱/۹	۹۰/۸	۸۹/۳	۶۹/۰	
۷	مالکیت خانه	بلی	۱/۴	۱۰/۸	۵/۳	۲۷/۰	۱۲/۶	۷/۱	۸/۳	.۱۰۰۰
		خیر	۹۸/۶	۸۹/۲	۹۴/۷	۷۳/۰	۸۷/۴	۹۲/۹	۹۱/۷	

ادامه جدول شماره ۴) رابطه نقش های زنان با استان های مورد بررسی

سطح معناداری	استان							پاسخ	نقش	شماره
	مازندران	همدان	آذربایجان غربی	هرمزگان	کردستان	اردبیل	قزوین			
۰/۰۰۴	- 100/0	- 100/0	1/7 98/3	3/2 96/8	- ۱۰۰/۰	۶/۶ ۹۳/۴	- ۱۰۰/۰	بلی خیر	مالکیت وسیله نقلیه	۸
۰/۰۱۷	38/1 61/9	17/9 82/1	19/3 80/7	23/8 76/2	۱۹/۳ ۸۰/۷	۱۸/۳ ۸۱/۷	۲۰/۰ ۸۰/۰	بلی خیر	وجود حساب بانکی	۹
۰/۰۲۱	17/9 82/1	7/1 92/9	9/2 90/8	15/9 84/1	۴/۴ ۹۵/۶	۷/۲ ۹۲/۸	۷/۱ ۹۲/۹	بلی خیر	استفاده از تسهیلات بانکی	۱۰
۰/۰۴۴	27/4 72/6	16/7 83/3	21/0 79/0	20/6 79/4	۲۲/۸ ۷۷/۲	۱۶/۹ ۸۳/۱	۲۳/۲ ۷۶/۸	بلی خیر	درآمد مستقل	۱۱
۰/۰۰۰	10/7 89/3	17/9 82/1	2/9 90/8	28/6 71/4	۴/۴ ۹۵/۶	۱۵/۷ ۸۴/۳	۱/۴ ۹۸/۶	بلی خیر	اختیار فروش دام	۱۲
۰/۰۰۰	29/8 70/2	21/4 78/6	26/1 73/9	33/3 66/7	۹/۶ ۹۰/۴	۳۳/۷ ۶۶/۳	۲/۹ ۹۷/۱	بلی خیر	اختیار فروش تولیدات خانه	۱۳

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

از میان نقش‌های آموزشی، اجتماعی و مالی مورد مطالعه در این مقاله، زنان در خانواده‌های روستایی فعال‌ترین نقش‌ها را در رابطه با مدرسه فرزندانشان ایفا کرده‌اند و در نقش‌های مالی، مالکیتی و تصمیم‌گیری نقش‌های ضعیفی دارند. شرایط ساختاری از قبیل هنجارهای جامعه روستایی و توقعات دیگران تأثیری تعیین‌کننده بر تضعیف نقش‌های مالی و مالکیتی دارند؛ به گونه‌ای که ویژگی‌های فردی و آگاهی زنان و شوهرانشان و حتی ویژگی‌های روستای محل سکونت کمتر بر بهبود این نقش‌ها تأثیر می‌گذارد. همچنین تحصیلات زنان و همسرانشان و افزایش جمعیت روستا بر فعال شدن نقش‌های زنان در زمینه‌های آموزشی و اجتماعی تأثیر مثبت گذاشته است. در اکثر نقش‌های مورد بررسی تفاوتی معنادار میان استانهای مختلف کشور وجود داشته است که بر تأثیر تفاوت‌های موجود در خرده‌فرهنگ‌ها و اقوام مختلف بر نقش‌های زنان اشاره دارد.

بنا بر این برای تقویت نقش‌های زنان، برنامه‌ریزان اجتماعی باید:

الف) زنان و خانواده‌های تحصیل‌کرده را به عنوان الگوی زنان روستایی ترویج کنند.

ب) زمینه تعاملات روستاهای کم‌جمعیت (که زنان بیشتر ایفاگر نقش‌های محول هستند) با روستاهای پرجمعیت (که به طور نسبی نقش‌های محقق بیشتر است) فراهم شود. از این طریق ارزشها و هنجارهای تقویت‌کننده نقش‌های زنان را نیز می‌توان اشاعه داد.

ج) در سطح کلان نیز می‌توان بر خرده‌فرهنگ‌های استانهایی را که بالاترین مرتبه ایفای نقش را در متغیرهای خاص به خود اختصاص داده‌اند، تأکید کرد و در جامعه روستایی کشور مورد توجه قرار داد.

د) چون شرایط ساختاری جامعه روستایی ایران پیامدهای منفی مؤثری بر نقش‌های مالی و مالکیتی و تصمیم‌گیری زنان تحمیل می‌کند، ایجاد تغییر در این نقش‌ها به تحقیق بیشتر نیازمند است تا بتوان با شناخت راهکارهای علمی برای تعدیل آن برنامه‌ریزی کرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

منابع فارسی

- آراسته‌خو، محمد، (۱۳۶۹)، فرهنگ اصطلاحات علمی- اجتماعی، تهران، نشر گستره.
- اسکیدمور، ویلیام، (۱۳۷۲)، تفکر نظری در جامعه‌شناسی ترجمه علی‌محمد حاضری و دیگران، تهران، نشر سفید.
- پاپلی‌یزدی، محمدحسین و ابراهیمی، محمدمیر (۱۳۸۱)، نظریه‌های توسعه روستایی، تهران، سمت.
- سعیدی، محمدرضا (۱۳۸۳)، بررسی نقش‌های زنان در خانواده‌های روستایی، تهران، وزارت جهاد کشاورزی، معاونت ترویج و نظام‌های بهره‌برداری.
- شادی‌طلب، ژاله (۱۳۷۵)، دیدگاه مردان روستایی نسبت به کار زنان، نامه علوم اجتماعی، شماره ۸، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- مرکز آمار ایران، فرهنگ روستایی کل کشور، تهران: ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵.

منابع انگلیسی

- Jagger, Gill and Wright, Caroline (1999) *changing family values*, London and New York, Rutledge.
- Dube Lela (1984) *Women in the village Men in the town*, Paris, UNESCO.
- Richardson D. and Robinson (1993) *Introducing women's studies*, Macmillan Press.
- <http://sociology.mihablog.com/more-139.aspx>